



روحانیت مسؤولیتی فوق انتظار خویش بر دوش می کشد و به یکباره با دنیایی از توقعات و مسائل دینی و دنیوی مردم روبروست. آنچه را مدتها ادعا شده، امروزه در مقام آزمایش و آزمون عینی قرار گرفته است. این آزمون سنگ محکی است که یافته‌های عرضه شده در عرصه عمل خود را خواهد یافت و چگونگی خویش را عیان خواهد کرد و عدم توفیق در آن، ضربه بزرگی است.

محمل این سخن همواره حوزه و حوزویان بوده‌اند زیرا حاملان، مبینان و مفسران این مکتبند و راه مفردی نیز وجود ندارد. هر گونه عذر و بهانه، به بیراهه رفتن است. مدعی بوده و هستیم که اسلام بهترین مکتب برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی مردم است و حوزه صالحترین مرجع جهت ارائه و اجرای آن، و اسلام آن است که ما می‌گوییم و نه آنکه دگر اندیشان به نام اسلام عرضه داشته و یا می‌دارند. این، سخن کوچکی نیست. و طبیعی است هنوز بر این نکته تأکید داریم و اعتقاد ماست که اسلام تنها مکتبی است که ضامن سعادت دنیوی و اخروی بشر است و راهی جز بازگشت به آن ندارد و این، سخن قرآن و نبی مکرم است.

۲- با تحقق انقلاب اسلامی، حوزه، اسلام شیعی را از گوشه حجره‌های مهجور در میدانی که میلیونها چشم محرم و نامحرم بر آن است، آفتابی نموده و آبروی ملتی را با پشتوانه هزار و چند ساله، در کوران سخت آزمون نهاده است که عدم توفیق در تحقق اهداف، همه چیز را بر باد می‌دهد و زمینه رویگردانی از مذهب در محرمان را نیز بدنبال خواهد داشت. نمی‌توان تنها با دعا و توکل از این میدان سرفراز بیرون آمد و همواره نمی‌توان نتیجه غفلت، کجروی، کاستی و یا محدود نگریهای خویش را متوجه نقشه‌های شوم استکبار و ایادی آنان دانست. مدت‌هاست که حوزه در معرض قضاوت‌های تند محرمان قرار گرفته است و به سبب عدم انجام وظیفه علمی و مبنایی خویش، سرزنش شده و حتی برخی از اصلاح آن ابراز یاس نموده‌اند. این نکته روشن است که روش و یافت علمی و آموزشی امروز حوزه توان رسالت سخت و بزرگ فعلی و آینده را نخواهد داشت و برخی «اصلاح» را کار ساز ندانسته و سخن از دگرگونیهای اساسی به میان آورده‌اند و تمامی آن به جهت نگرانی از آینده است. زیرا حال که اسلام میدان دار جامعه شده، تحقق شعارها و وعده‌ها دیگر آرمان نیست، میدان عمل و

در آستانه پانزدهمین سالگرد انقلاب شکوهمند امت سرفراز و بزرگ ایران هستیم که جلوداری و رهبری بی بدیل فریادگر مظلومیت انسانی حضرت امام خمینی-رضوان الله علیه- حکومت اسلامی را رقم زد. بی تردید حوزویان در این تحول بزرگ نقش بنیادین داشتند. این نقش در مرحله زوال طاغوت اگر جهتگیری ویرانگری بنیادهای جاهلی و شرك آلود را داشته، پس از انقلاب، رسالت پی نهادن و جستجوها را دریافتن، زوایای ناشناخته را شناختن و شناساندن را داشته است. در شماره پیشین به یمن شکل‌گیری مدیریت جدید حوزه علمی قم، نکاتی فروتنانه به محضر بزرگان و حوزویان عرض شد. اینک در آستانه سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی و در پی آنچه در آن شماره آمد، با توجه به جهتگیری و محتوای مجله و رسالت حوزوی خویش، نکاتی را یادآوری می‌کنیم.

در بحث مدیریت جدید اشاره کردیم که برای توفیق در سامان‌یابی حوزه، لازم است محیط حوزه به بستری علمی و منطقی تبدیل گردد و دور از سلیقه‌های خاص، محل رشد اندیشه‌ها گردد. و پیداست که تا چنین ننموده‌ایم، عنان تعقل حوزویان را به حال و هوا واگذار نموده‌ایم و محدودیت‌های غیر علمی را چون حصار بر تعقل خویش خواهیم یافت و هیچگاه آن چنان که می‌توانیم بیندیشیم، نمی‌توانیم بگوییم و تصمیم بگیریم. و این همان آفتی است که مصلحان بزرگی از حوزویان را دچار توقف و حسرت نموده است و دوام این جریان، آثاری از همان محدودیتها را، در روش و منش برخی به وجود آورده است و تأثیراتی در شکل‌دهی مباحث و روپوشیهای علمی و عملی حوزویان نهاده است.

دو مقدمه کوتاه در این باب گفتنی است ۱- امروزه

سؤالاتی بوده است که حوزه و یا دگراندیشان طرح نموده‌اند؟ بنگرید که استوارترین و برجسته‌ترین آثار آیتین شهیدین استاد سید محمد باقر صدر و استاد مرتضی مطهری-ره- آن دسته از آثاری است که در پی چند شبهه و تعرض سخت تألیف شده‌اند. بسیاری از دانشوران، از محدود شدن معارف حوزه بر فقه و اصول ناله‌ها سر داده و بر تک بعدی شدن حوزه تاخته‌اند، ولی نزدیکترین راه آن است که اندیشهٔ حوزویان در معرض شبهات و سؤالاتی قرار گیرد که به ابعاد دیگر اسلام مربوط است. پاسخ بسیاری از ابهامات و شبهات، شیوه‌ای جدید دارد که پاسخ آن در سخن پیشینان کمتر یافت می‌شود و نیاز به تفکر و نوآوری دارد. تا حوزه مجبور نشود، به تفکر نخواهد نشست. زیرا همواره فکر نکردن آسانتر است، مگر آنگاه که احساس خطر شدید شود.

البته تنها در معرض سؤال و شبهه قرار گرفتن، کارساز نیست. برخورد حوزویان نیز شایان توجه است. نام «حوزه» با پسوند «علمیه» آراسته بوده و هست و «علمیت» آمیختگی غیر قابل تفکیکی با برهان و منطق دارد. بازگرفتن این خصیصه از حوزه به معنای تهی کردن حوزه است. سخن استوار، عمیق و جاویدان امیرالمؤمنان علی-ع- راهگشای شایسته‌ای است که تمامی گفته‌ها را در ادامهٔ این مقال، در چند کلمه یکجا و زیبا در بردارد:

دع الحدة و تفکر فی الحجة و تحفظ من الخطل تامن الزلل.  
یعنی تندی را واگذار و به برهان و استدلال بیندیش و از ست گویی  
بهریز تا دچار لغزش نگردی. (تصنیف الغرر، ص ۵۸)

و هر آنچه از این محدوده خارج است، شایسته نام یک مدرسهٔ علمی نیست و این روش نیکویی است که دیگران هم اگر یافته‌اند آن را از حوزه‌ها وام گرفته‌اند. و حوزه باید پاسدار ارزشهای خود باشد و اجازه آلودگی آن را ندهد. آیا شایسته است در محیط حوزه، حتی محرمان از طرح اندیشهٔ خود بیندیشند؟ چرا نباید همواره مسائل علمی و تفکر برانگیز در حوزه مطرح شود و چرا کوچکترین سخن که ممکن است با باورهای گذشته تعارضی داشته باشد، با روشهای غیر علمی مسکوت می‌ماند و یا روشهای غیر برهانی اندیشهٔ فضلاء از آن منصرف و یا منحرف می‌گردد؟ در حوزه، برهان و منطق اصل است و تفاوت آن با مسجد و دیگر مجالس بسیار است. در میان عوام، ممکن است بسیار از امور لازم الرعایه باشد ولی

تحقق است و این مقوله‌ای دیگر است و ابزار و روشهای گذشته چندان کار ساز نمی‌نماید.

سوختگانی که کمی بر اطراف خویش واقفند و از حرکت کاروان تمدن بشر اندکی آگاهند و از تجربه و آزمون پیشینیان مطلعند و تنگناها را تا حدودی می‌شناسند و با خواست بحق جامعهٔ دینی آشنایی دارند، همواره بر حوزویان هشدار داده‌اند که به هوش باشید که هزاران خطر در راه است. به داشته‌ها دلخوش نباشید که دوام آن تضمینی ندارد و به هر آنچه هست با غفلت ننگرید که زمان توقف ناپذیر است.

در این مقال بر نکته‌ای تأکید داریم که تحقق آن را از اولین قدمهای اساسی در اصلاح حوزه می‌دانیم و رفع بسیاری از کاستیها را فقط در تحقق آن می‌سور می‌دانیم و لا غیر، و بسیاری از ارائهٔ طریقه‌ها، اندیشه‌ها، تصمیمات و اصلاح گریها، آنگاه به صواب نزدیک خواهد بود که این مهم در حوزه تحقق یابد.

اگر این دو مقدمه در ذهن پرورش یابد و عمیقاً در اطراف آن اندیشه شود، بنیکی در خواهیم یافت که حرکت کنونی حوزویان با رسالت و راهی که برگزیده‌اند چقدر تناسب دارد. حوزه در گذشته به علت محدودیتها و خارج بودن از صحنه، از عرصهٔ مجادلات و تعارضات علمی بازمانده است. اندیشهٔ حوزویان را حصار سخت در مسیر مباحثی خاص هدایت نموده است و یافته‌های تکرار شده، چون وحی منزل، دیواره‌های فکری ما را برداشته است. بنابراین بر اطراف خود و محیط خود و تفکر خود، هاله‌ای از اجتناب و دوری ساخته‌ایم که زندانی آن خود حوزویان بوده‌اند.

آنچه این نقیصهٔ عظیم را مرتفع می‌کند، آن است که حوزه باید در برابر هر سؤال و شبهه‌ای آغوش بگشاید و از وجود آن استقبال کند. محیط خود را به بستری شایسته و مطمئن برای طرح تمامی اندیشه‌ها تبدیل سازد و زمینهٔ ارائهٔ هر اندیشه‌ای را که به نحوی در ارتباط با وظایف حوزه است فراهم سازد. زیرا سؤال و شبهه است که اندیشهٔ حوزویان را به تلاطم خواهد انداخت و استعدادهای نهفته را شکوفا خواهد کرد و توان برخورد و مقاومت تفکر اسلامی را افزایش خواهد داد. مگر نه این است که تألیفات استوار و نوگرایی‌ها در معارف اسلامی بیشتر در هنگامی انجام گرفته که حوزویان- خواسته و یا ناخواسته- در معرض سؤالات سخت قرار گرفته‌اند. و مگر نه این است که گسترش بسیاری از ابعاد معارف اسلامی به دنبال

برخوردی شایسته با نام خویش ننماید، غیر از آفات برونی همواره باید شاهد رکود خود باشد.

همواره بزرگان و برجستگان و استوار اندیشان حوزوی- لطفاً به سخنان عمیق مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری خطاب به حوزه توجه فرمایید- تاکید نموده اند که حوزه باید اولین مکان باشد که در آن ابهامات، اشکالات و تنگناها مورد مذاقه علمی قرار گیرد و این بالاترین سخنی است که برای تحرك بیشتر و افزایش توان علمی حوزه می توان گفت و مسلماً این آغاز و انجام تحقق انتظاراتی است که از یک جامعه علمی با مسؤولیت انتظار می توان داشت. ولی سخن آن است که برای تحقق آن چه کرده ایم؟ چند شخصیت با نفوذ حوزوی به شکل جدی از آن دفاع کرده اند؟ آنگاه که غبار فکر سوز و اندیشه کش جو نامناسب در حوزه بر می خیزد، بهترین زمان برای دفاع و طرح این مسائل است. از چه می ترسیم و هراسمان از چیست؟ حوزه جای اندیشه است و اندیشوران در پناه شبهات، توان علمی خویش را ارزیابی می کنند و کاستیهای خویش را جبران می نمایند. اگر اندیشه های گوناگون در حوزه امکان بروز نداشته باشند، اعتقاد دینداران غیر متخصص مورد شبهه قرار خواهد گرفت. امروزه نمی توان جلو اندیشه را گرفت و یا با روشهای غیر علمی و برهانی با آن برخورد نمود. اندیشه با اندیشه همآورد است و بس. بزودی تمامی افکار آلوده بیگانه با ظواهر بسیار فریبنده و آرایش شده به درون خانه هایمان خواهد خزید. برای مقاومت در برابر آن چه اندیشیده ایم؟ شبهاتی که ما امروز به اندکی از آن مطلعیم، حداقل به یکصد سال قبل بر می گردد، چقدر از شبهات جدید مطلع شده ایم؟

به هر صورت، این پیشنهادی است که حوزه برای ورود جدی تر به مسؤولیت خویش، ناچار است سعه صدری که لازمه یک محیط علمی است در خود ایجاد نماید و هر سخن را که خوش نمی پندارد، قبل از تحلیل برهانی و منطقی، طرد نماید و به هر آنچه در دایره وظایف علمی اوست، بدون توجه به اینکه از کیست، به آن نیک بیندیشد و آنگاه با استفاده کارآمد از منابع غنی و سرشار معارف اسلامی به پاسخ آن پردازد. اگر این زمینه در حوزه فراهم شد، بزودی در خواهیم یافت که دوران شکوفایی و بالندگی مجدد آن آغاز شده است. فضل فکر و تفهم اتجع من فضل تکرار و دراسته. (تصنیف غرر، ص ۵۷)

آینه پژوهش

حوزه های علمی نباید آن را برتابد. از زمانی که حوزه خود را از عرصه شبهات و اشکالات و تعارضات علمی دیگران خارج نموده، به سکون و رکود گراییده است و از زمانی که به جهت ترس از عوارض حاشیه ای، به روشهای عوام پسندانه بسنده کرده، از رشد و تکامل خویش باز ایستاده است، و از زمانی که محیط خویش را، بر دگر اندیشان تنگ کرده است، کاستیها و شبهات را مستقیماً وارد محیطهای نامربوط نموده است، که شاید اندکی از آن را دریافته باشیم.

اگر ما حوزه را، محیطی کاملاً علمی، سالم و برهانی نسازیم، دیگر محیطها صحنه مشاجرات و شبهات خواهد شد و اگر برخوردی برهانی و علمی با قضایا نکنیم، با واکنشهای غیر علمی برخورد خواهیم کرد. دیگر زمان تفسیق، تکفیر، دیری است که گذشته و کسی آن را بر نمی تابد. آنان که بر طرح این مسائل در حوزه خرده می گیرند، آنان که حوزه و حوزویان را از شنیدن برحذر می دارند و افکار آشکار و پنهانی که متوقع اند در حوزه فقط آنچه آنان می پسندند قابل طرح است، آنان که خود و اندیشه خود را مجسمه اسلام ناب می انگارند و با هزاران بند و حصار قدرت بالندگی و نو اندیشی را از حوزویان باز ستانده اند، نیک بیندیشند که ادامه این روش، هم امکان اندیشه و به گزینی را از حوزویان سلب خواهد نمود و هم عده ای را مقلدانه و متعصبانه به گزینش برخی از اندیشه های تحلیل نشده و خواهد داشت و مهمتر آنکه وقت و نیروی اندیشه گران را به مشاجرات غیر علمی و بی بهره سوق خواهد داد.

آنچه مانع تحول و تحرك حوزه است، یکی بسته بودن و خروج از میدان تعارضات علمی جدید است و دیگر عدم برخورد برهانی و علمی با آن. باید هر کس به این محیط پای می گذارد، بداند اینجا محیط تفکر و تحقیق و برهان و استدلال است و هیچ مصلحتگرایی یا رعایت خوشداشتها و بدداشتهای این و آن مطرح نیست. اگر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، عقیده و هر آنچه در محدوده مسائل اسلامی است، در محیط شایسته خود- که حوزه است- به نقادی گرفته نشود و جوانب آن تحلیل علمی نگردد، مطمئناً دیگران آن را به سختی بر زمین خواهند زد. اینکه آنچه گفتیم و یا گفتند دیگر جای چون و چرا ندارد، مربوط به محیطهای اجرایی و نظامی است و نه محیط علمی. اگر حوزه محیط خود را برای بحث مدام و تحلیل دقیق و آزاد این مباحث آماده نسازد و شبهات را از خویش بر ماند یا